

فرجه‌ای در حزیرهٔ مثنوی معنوی

جساری در اندیشه‌های

مولانا جلال‌الدین محمد بن محمد بن الحُسین البلخی

۶۰۴-۶۷۲ هـ. ق. ۲۰۷-۱۱۷۵ هـ.

کتاب اول: شاخی از نخل خُلد

پژوهشگر: محمدحسین مهرآیین



سرشناسه : مهرآیین، محمد حسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : فرجه‌ای در جزیره مثنوی معنوی: جستاری در اندیشه‌های مولانا جلال‌الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی/

پژوهشگر محمد حسین مهرآیین.

مشخصات نشر : تهران: نگارش، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : 978-964-91169-3-8

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : کتاب اول. شاخی از نخل خلد.

عنوان دیگر : جستاری در اندیشه‌های مولانا جلال‌الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی.

موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. - نقد و تفسیر.

Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, 1207-1273 - Criticism and interpretation : موضوع

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوی - نقد و تفسیر. موضوع

Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Muhammad, 1207-1273 Masnavi - Criticism and interpretation : موضوع

رده‌بندی دیویی : ۸۰۰

۱۳۹۶ : ۵۳۰۵/۴۹ : PIR

شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۲۲



فرجه‌ای در جزیره مثنوی معنوی

جستاری در اندیشه‌های

مولانا جلال‌الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی

ناشر: نشر نگارش

پژوهشگر: محمد حسین مهرآیین

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: پژمان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق چاپ متعلق به نشر نگارش است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۱۶۹-۳-۸

ISBN: 978-964-91169-3-8

تماس با ناشر: ۰۹۱۲-۶۰۵۶۲۸۲

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار.....
۱۱	دنیای مولانا.....
۱۴	احوال، خاندان و اخلاق مولانا.....
۱۵	لباس مولانا.....
۱۶	کلمات هزل در مثنوی.....
۱۶	اخلاق و رفتار مولانا.....
۱۹	جانشینان مولانا.....
۲۰	تألیفات مولانا.....
۲۰	اندیشمندان معاصر مولانا.....
۲۰	شاگردان و کُتبی که مولانا خوانده است.....
۲۰	مثنوی‌های قبل از مولانا.....
۲۰	شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک‌داد تبریزی.....
۲۱	چگونگی سرودن مثنوی.....
۲۴	نظر اندیشمندان و مثنوی‌پژوهان در مورد مولانا.....
۲۵	نفوذ مثنوی معنوی مولانا در ادبیات غرب.....
۲۷	اوضاع اجتماعی و سیاسی قرن هفتم.....
۲۸	سخنی با علاقه‌مندان فیزیک نظری.....
۳۱	نتیجه فیزیک نظری در همراهی شهود باطنی.....
۳۳	نظر علامه اقبال در مورد فیزیک و حیات.....
۳۴	شرح مختصر هجده بیت نخست دفتر اول مثنوی.....
۳۷	نی.....
۳۹	خوشحال.....
۴۴	طور.....

۴۶	آغاز هر کار با نام خالق
۴۷	قدرت حق در مزاج حکماء، حاذق، امین و صادق
۴۹	خیال چیست؟
۵۳	ادب
۵۸	عقل
۶۲	عقل در جمادات
۷۰	ظلم و جهول
۷۴	ظلم گریبان ظالم را می‌گیرد
۷۷	عشق
۸۸	خضر و موسی در مسیر عرفانی
۹۱	ضرورت حضور ولی
۹۹	مقام زن
۱۰۱	زن در اسطوره‌ها
۱۰۱	زن از دیدگاه ابن عربی (فتوحات مکیه)
۱۰۲	زن در جهان غرب
۱۰۴	زن در پیام پیامبر اسلام
۱۰۴	مقام زن در مثنوی
۱۱۱	عضای موسی
۱۱۴	احترام به تکرارها و مذاهب
۱۲۰	چگونگی دیدن صور غیبی و شنیدن صداها
۱۲۵	شفاعت حضرت رسول
۱۲۸	کوثر چیست؟
۱۳۰	علم تقلیدی و تحقیقی
۱۳۵	دین چیست؟
۱۳۸	ریشه‌ای از ریشه‌های ناامیدی
۱۴۱	نفی علیّت و آزادی
۱۴۴	دنیا چیست؟
۱۵۳	محبت و شرایط آن
۱۵۶	نفی هر نوع خشونت
۱۶۰	نظام اسباب در عالم
۱۶۶	کافرو جایگاه او
۱۷۰	نهرهای شیر و عسل و خمر درون سینه عارفان

۱۷۵		سلیمان
۱۸۰		مسح آدمیت
۱۸۵		حضرت ابراهیم و دستور بریدن گلوی اسماعیل
۱۸۷		نفس
۱۹۶		چگونه می‌توان به آرامش درونی رسید؟
۱۹۹		راه‌های وصول به خودی و ترک غم
۲۰۴		ریشه خداناباوری، خدایابوری است
۲۱۳		ضمائم
۲۱۳		نفوذ مولانا در غرب
۲۲۷		کتابنامه
۲۲۹		نمایه اشخاص، مکاتبات و مصوبات

پیش‌گفتار

آفتابِ معرفت با باندیشه‌های مولانا جلال‌الدین که گرمی قدمش بذره‌های پشیمانی را در عدم سوزانده و چشمه‌ی قنار آبِ یقین - رود آب بر شعله‌های تردید پاشیده، در مسیر زمان گرمی‌بخش اندیشه‌های بشری گردیده است. حلقه‌ی دریا، بیکران هستیش معارفِ افلاک و زمین را لقمه‌لقمه نموده و بلعیده است، او که دریای وجودش نزدیکان را گهر و دوران را مطربخشیده و مستی و شوق شرابِ ربانیش جوی خلدِ خمر گشته تا در قرونِ راعه را، کشت ویران اما حاصلخیز بشری را زرخیز گرداند.

گاه بر سفره‌ی مثنوی‌اش عوام اقی می‌شید و از جوی خلد شیرش جرعه جان می‌نوشتند و گاه هیچ برکه‌ای یا آبیگری گنجایش حضور نهنگ اندیشه‌اش را ندارد. آفتابی است فرازمانی در درون ذره‌ای و شیری نر در پوستین بَره‌ای.

بر سفره‌ی طعام معنوی‌اش هر اندیشه‌ای با تغذیه خوب می‌باشند، اما در پایان حلقوم هر باوری با نوشیدن جرعه‌ای انگبین از جوی خلد طاعتش شیرین می‌شود.

هر صیادی که به صید افکار بلند او روانه شود باید بداند که خدا صید او خواهد شد. دستیابی به اندیشه‌های خورشیدوش او اگر ناممکن نباشد، قطعاً سلطانی شگرف را می‌طلبد.

در مثنوی گاه چنان اوج می‌گیرد که ستیران اسرار هستی، خود به خود بُرق می‌زند و آنگاه که به رمزگشایی عدم می‌رسد آنچنان به مهر و یانِ بستان خدا نزدیک می‌گردد که آسمان از حیثیت غیرت حق و عربانی حرم عرش، فریاد «یا جمیلة الستر» بر می‌دارد.

بیان هستی را پرده بر هستی می‌داند، از هستی می‌خواهد که خود ز هستان پرده بگشاید، عشقِ جذبه را طیب علت‌ها می‌خواند.

مثنوی جزیره‌ای است در دریای وجود، از جای جای این جزیره می‌توان هستی را نظاره کرد. آبِ یقین این جزیره را بر آتش شک و تردید باید ریخت. مسافرانِ شبِ زمستانِ تن را که در بین راه مقصد، از انبوهی برف تعلقات زودگذر به امید طلوع خورشید صبح معرفت خفته‌اند، نوید می‌دهد که از قبرِ تن برخیزید، آن آفتاب در خودتان هست. هر کس به قدر تشنگی باید از این دریا بُرد و جدا نشود.

بر خاکِ هر دلی بذری، بر آسمانِ تیره‌ی هر ذهنی نوری و بر کشتزارِ ویرانِ هر کسی قطره‌ی بارانِ رحمتی دارد.

آبِ حیاتِ سخنش بر ریگزار هر گوشی فرو می‌رود و تابش بصیرتش راه‌بین هر چشم می‌گردد. اشیاء در او پنهان شده‌اند تا بر لبانش بنشینند و خود را کشف کنند. غرب‌ها بر مشرقِ آفتابِ یرون از مشرقش عاشق شده‌اند.

او آشکار ساز معرفتِ عالم و ناظمِ آفرینش است در ابیاتش. به گفته جلال‌الدین همایی با تلخیص: «تا انتهای زمان منتظر است تا از زبان و قلم شارحانِ خود ناشنیده‌های گفته‌های خود را بشنود»^۱

فرجه‌ای در جزیره مثنوی جستجویی است جسارت‌آمیز در یافتن جرعه آبی برای حلقوم عطشانِ بحر معنوی. هر ره‌گذری که به این جزیره وارد شود به ناچار نخواهد توانست و نباید به قدر تشنگی از این دریا ببرد. بنده به نسبتی که از بندِ جهات رهیده و به حق رسیده، خواهد توانست از بحر وجود، کیل‌ها برگیرد و در حلقهٔ مثنوی تشنه خود برساند.

رسید. به بوی عطر بحر معنوی مولانا تنها به تلاش و کوشش نیست، چه، خود تلاش در معرض فساد و تعرض است، عذبت باید تا گشایشی آید.^۲

شایستگی در یافتن عذاب، فهم معارف بشری و سپس مشاهده این فهم در رفتار و کردار است. آنان که از حقیقت دور افتاده‌اند، مدت از شنیدن پیام حق محروم گشته‌اند و بعد به جرمان افتاده‌اند. برای شنیدن پیام حق ابتدا باید درس به‌دام به مرحله‌ی شایستگی زبان حق گردیدن، نائل شد.^۳

بذرهای معرفت یاب زمینِ انا نیست. مولانا از محصولِ «إِنَّا فَتَحْنَا» درون صدر خودش رویش یافته و عقل او در حمایت و پاسداری لوح معطر قرار گرفته است. معلّم او رحمان و (عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ) است. این نوشتار خسی است از یک موج از امواج پی در پی دریای بیکران و متلاطم اندیشه مولانا که به ساحلِ تشریت افکنده شده است.

شاخه‌ای از نخل خُلد است، اگر عنایتی آید و به‌هدی شده نخل تن به بار می‌نشیند و رطب تازه می‌دهد. آنگاه ندای بندگی بندِ حق را به گوش جان می‌رساند و عجز او را متولد می‌گردد، شرط حضور در جزیره معنوی تشنه بودن و نبردن از دریاست.

کیمیایی بود صحبت‌های تو کم مباد از خانه دل پناهی تو
تو یکی شاخی بدی از نخل خُلد چون گرفتم او مرا تا خُلد
آن‌که جوی و چشمه‌ها را آب داد چشمه‌ای در اندرون من گشاد
شربتی خوردم ز آله اشتری تا به محشر تشنگی ناید مرا

دفتر ۴، بیت ۳۵۰۹

۱. جلال‌الدین همایی، مولوی چه می‌گوید، ص ۱۸۱.

۲. «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا أَمْثَلُ مَنْزِلٍ مِّنْ أَمْثَلِ مَنْزِلِ اللَّهِ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ» (نور، ۲۲). اگر عنایت خدا بر شما و رحمت او نباشد از شما هیچ‌کس تزکیه نمی‌گردد. اما خدا پاک می‌گرداند آن را که می‌خواهد.

۳. «إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَّمُعْجِزُونَ، ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ» (مطففین، ۱۵ و ۱۶). آن‌ها در آن روز از پروردگارشان محرومند سپس به دوزخ درمی‌آیند.

منبع الهامات مولانا درک عرفانی قرآن است. از این روی مولانا در دیباچه دفتر اول، مثنوی را «کشافِ قرآن» می‌نامد. بدون فهم عرفانی قرآن درک مثنوی مشکل است ولی غیر ممکن نیست. بستگی به میزان صیقل روح از زنگار دارد. مثنوی دکان وحدت و خروج از تفرقه است. بهترین روش فهم مثنوی، خود مثنوی است. تفسیر بیت از ابیات دیگر.

این جمع‌آوری حاصل دو دهه مطالعات پاره‌وقت و یک دهه تمام‌وقت و گردآوری بیش از ۳۰۰۰ یادداشت از دفاتر شش‌گانه مثنوی، فیه ما فیه، مجالس سبع و مکتوبات و دیوان شمس مولانا جلال‌الدین محمد بن محمد بن حسین بلخی است. امیدوار است به یاری خداوند این برداشت‌ها در سلسله مجلداتی به زور طبع آراسته گردد شاید برای عده‌ای مفید افتد، نواقص آن بسیار و کمبودهای آن فراوان است.

دراهمام این نوشتار، خویش را مرهون تشویق‌ها و مساعدت‌های وافر همسر و بانو عذرا غروی نیسیانی می‌دانم که یک روزه بر تمهیدات کارهای داخلی به نحو شایسته‌ای در امر تربیت فرزندان و رساندن آن‌ها به تحویل عالی‌ترین عاله دانشگاهی، مرا یاری نموده است. از خانم مرجان احمدی و خانم نائینی که زحمات تایپ این متن را انجام داده‌اند تشکر می‌گردد.

با عنایت و یاری ایزد متعال
محمد حسین مهرآیین